

بررسی اندیشه‌های تلفیقی در آثار مهدی اخوان ثالث

فاطمه حاجی رحیمی^۱

حسن شهریاری^۲

چکیده

اندیشه‌های تلفیقی در شعر، با هر زمینه‌ای، اساساً از پیچیده‌ترین فرآورده‌های تخیل شاعرانه است و البته به سبب گستردگی مفاهیم و بارمعنایی که، اندیشه دارد، تأویل آن‌ها مخاطب را در مسیر نگاه و کیفیت عواطف شاعر، هدایت می‌کند. شعر اخوان ثالث، به عنوان شاعر برجسته معاصر و صاحب سبک تلفیق و ترکیبی از سنت‌های ادبی پیشینیان با زبان و اندیشه‌های نوآورانه‌ای است که برای نخستین بار در شعر فارسی عرضه می‌شوند. احاطه وسیع اخوان به میراث ادب فارسی، این مجال را برایش فراهم کرده است که اندیشه‌هایش را هرچه زیباتر، در شعر خود بگنجاند. نویسندگان این مقاله در پژوهش حاضر که مطابق با روش کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی حاصل شده است، به بررسی اندیشه‌های تلفیقی در آثار اخوان می‌پردازند. از جمله نتایج حاصل از پژوهش در شعر اخوان که در سه سطح زبانی، ادبی و فکری انجام یافته است عبارتند از: تلفیقی از زبان کهن و عامیانه با زبان نو و ادیبانه، تلفیقی از حماسه و غزل، تلفیقی از ایران پیش از اسلام و ایران پس از اسلام، تلفیقی از ادیان و مذاهب مختلف و تلفیقی از شعرنیمایی با شعرکلاسیک که این شاعر توانسته است با نمادگرایی و دیدگاه نوین خود سبکی تازه را در عرصه شعر و ادب این سرزمین به وجود آورد.

کلید واژه‌ها: اندیشه‌های تلفیقی، مهدی اخوان ثالث، اسطوره‌سازی، نمادگرایی.

^۱ دانشجوی دکتری ادبیات حماسی، دانشگاه قم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، قم - ایران (نویسنده مسئول).

F.hajirahimi2015@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری ادبیات حماسی، دانشگاه قم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، قم - ایران.

Hasan69shahryari@gmail.com

مقدمه

شاعران و نویسندگان در آفرینش آثار هنری خود، همواره از میراث و اندوخته‌های هنری گذشتگان استفاده می‌کنند و معمولاً بنای نخستین آثارشان برپایه همین اندوخته‌ها و آثار است. شعر معاصر ایران در زمان نیما و پس از نوآوری‌های وی، یک روند شتابی در آزمون شیوه‌های نو و متفاوت بودن در تمامی اجزا و عناصر نسبت به شعر کهن فارسی را می‌پیماید. در این دوره جدال گروه نوگرا با سنت‌گرایان پایبند به ادب کهن سال فارسی بر سرعت این شتاب افزود. گروهی از شاعران سهم عمده‌ای در جهت آستی و آشنایی اذهان سنتی با شعرنیمایی دارند و همچون پلی بودند که با رعایت برخی از قواعد و عناصر سنتی، از قبیل وزن و قافیه، فصاحت و بلاغت زبان و سادگی موضوع بیان، مخاطبان بیشتری را به سمت پذیرفتن قالب تازه هدایت می‌کردند؛ از جمله، اخوان ثالث، کسرائی، ابتهاج، نادرپور و... که راه و روش آنان ایجاد نوآوری در سایه پایبندی به سنت‌های کهن ادبی است.

مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۷-۱۳۶۹) را می‌توان از نخستین و برجسته‌ترین چهره‌های این گروه دانست که در کنار نوآوری و آزمون شیوه‌های نو، سنت‌های ادبی زیبا را را زنده کرد. اخوان با شعر سنتی آغاز به سرودن کرد و سپس به شعر نیمایی پرداخت و در آن به اوج رسید و در سال‌های اخیر به قالب‌های سنتی شعر بازگشت. اخوان از واژگان گسترده‌ای استفاده کرده است، به همین دلیل برای بیان مطلب در تنگنا قرار نمی‌گیرد. مجموعه غزل‌ها و قصیده‌هایش را در سال ۱۳۳۰ در کتاب ارغنون منتشر ساخت. مضامین اشعار این کتاب، تغزلی است و گاهی درونمایه‌های سیاسی-اجتماعی به سبک خراسانی دارد. اخوان در شعر زمستان (۱۳۳۵) در کنار آشنایی عمیق با شعر و ادبیات گذشته ایران به ویژه شعرهای خراسانی با آگاهی خاصی به شیوه نوسرایی و نیمایی گرایش داشت و پیوند خود را با قالب‌های غزل و مثنوی حفظ کرد. اخوان در شعر «آخرشاهنامه» (۱۳۳۸) علاوه بر استفاده از زبان حماسه و تراژدی خراسانی در سبک نو به تجربه‌ای تازه دست می‌زند، از جهت فکری نیز به تدریج گرایشی تازه در او پدید می‌آید. وی سپس از این اوستا (۱۳۴۴) را منتشر کرد. دیگر مجموعه‌های شعری او عاشقانه‌ها، کبود، بهترین امید، در حیاط کوچک پاییز در زندان، دوزخ اما سرد و زندگی می‌گوید اما باز باید زیست، نام دارند که همه به

سبک نیمایی سروده شده‌اند. آخرین دفتر شعر اخوان: «ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم» (۱۳۶۸) مانند ارغنون، در قالب سنتی و دارای سبک حماسی است. از کتاب‌های داستان وی می‌توان مرد جن‌زده و درخت پیر و جنگل (۱۳۵۵) را نام برد.

این مقاله، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است که به بررسی اندیشه‌های اخوان و محتوای آثار وی توجه کرده و آن‌ها را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری طبقه‌بندی کرده است. نویسندگان این مقاله با تکیه بر مباحث نظری تحقیق، متن سروده‌های شاعر را مطالعه و بررسی کردند. چهارچوب طرح پژوهش از این قرار است که ابتدا در سطح زبانی به مواردی چون: تلفیق کلمات مهجور و کلمات رایج، تلفیق واژه‌های ادبی و عامیانه، تلفیق گونه‌های مختلف فعل‌ها، تلفیق ترکیبات عامیانه و ادبی، تلفیق واژه‌های عربی و فارسی و... در سطح ادبی به مواردی چون: تلفیق در ساختار تشبیهی، تلفیق در تناسب لفظی و جناس‌ها، تلفیق شیوه‌های هنری و نو... و در سطح فکری به مواردی چون: تلفیق حماسه و غزل، تلفیق باورهای عامیانه و شعر، تلفیق اندیشه‌های عارفانه و ادیبانه، تلفیق اندیشه‌های فلسفی و ادیبانه، تلفیق ادیبان و شاعران کهن و معاصر، تلفیق شخصیت‌های پیش از اسلام و پس از اسلام، تلفیق اشعار نیمایی و کلاسیک و... پرداخته است. برای بررسی اندیشه‌های اخوان، هشت دفتر شعری ارغنون، زمستان، آخرشاهنامه، از این اوستا، در حیات کوچک پاییز در زندان، زندگی می‌گوید: اما باز باید زیست، دوزخ اما سرد و ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم، مطالعه شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات، براساس مبانی نظری تحقیق و با ارائه شواهد شعری گسترده و به شیوه‌ای مستند و مستدل می‌باشد و براساس یافته‌های تحقیق، نتیجه‌گیری شده است.

بیان مسأله و سؤالات پژوهش

تلفیق از مهم‌ترین شاخصه‌های شاعری اخوان است که می‌توان با بررسی و نگاهی نقادانه به آثار او به واکاوی اندیشه‌های وی پرداخت. پرداختن به این امر راهی است برای درک بهتر تفاوت‌ها، شگردها و بارزترین ویژگی‌های ذهنی شاعر به زبان موردعلاقه و تأثیری که این شیوه نو در تاریخ ادبی کشور می‌تواند داشته باشد. در این پژوهش برآنیم با بررسی آثار اخوان ثالث دریابیم

که این شاعر برجسته برای رساندن پیام و اندیشه خود چگونه از شیوه تلفیق بهره برده و سعی بر آن است که گونه‌های مهم تلفیق در حوزه زبان شعر و مضامین شعری در اشعار وی با ذکر مثال‌هایی نشان داده شود. نویسندگان این مقاله درصدد پاسخ به پرسش‌های زیر هستند:

- ۱- انواع اندیشه‌های تلفیقی و کاربرد آن در آثار اخوان ثالث به چه شکلی است؟
- ۲- آیا شیوه تلفیق اندیشه‌ها، در ادبیات قدیم نیز مسبق سابقه بوده است یا از دستاوردهای شعر معاصر به‌شمار می‌آید؟

پیشینه پژوهش

در زمینه شعر و زندگی مهدی اخوان ثالث کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته شده که تنها به ذکر چند نمونه بسنده می‌شود:

«حالات و مقامات م. امید»، (۱۳۹۱). محمدرضا شفیعی کدکنی، نشر سخن.
 «نگاهی به مهدی اخوان ثالث»، (۱۳۷۳)، عبدالعلی، دستغیب. نشر مروارید که به نقد و تفسیر اشعار اخوان پرداخته است.

«ردپای فرهنگ توده در اشعار اخوان با تأکید بر شعر قصه شهر سنگستان»، (۱۳۸۷)، یحیی کاردگر، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۷، صص ۳۶۴-۳۳۵، نویسنده این مقاله در یک نگاه کلی، جایگاه فرهنگ توده در اشعار اخوان را مورد بررسی قرار داده و سپس جنبه‌های فولکوریک شعر: «قصه شهر سنگستان» وی را تحلیل و تفسیر کرده است.

«عشق به ایران و مظاهر ملی در شعر اخوان ثالث»، (۱۳۸۳)، علی احمدپور، مجله شعر، شماره ۳۵، این تحقیق به عشق و علاقه اخوان به ایران و مظاهر آن تا پایان عمر وی اشاره می‌کند.
 «ساخت‌های کهن‌گرا در شعر اخوان ثالث»، (۱۳۸۴)، محمدرضا عمران‌پور، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه باهنر کرمان، شماره ۱۸. صص ۱۲۶-۹۹، پژوهش حاضر که به بررسی اندیشه‌های تلفیقی در آثار این شاعر معاصر گرانمایه پرداخته است، تاکنون انجام نشده و در نوع خود بکر است.

بحث و بررسی

نگاهی به اندیشه‌های تلفیقی و جایگاه آن در اشعار اخوان ثالث

نوآوری در هر عصری در صورتی میسر می‌شود، که شاعر بتواند در مقابل سنت‌های ادبی و زبان مورد استفاده شاعران در روزگار خود و دوره‌های قبل طرحی تازه در زبان یا محتوای شعر بوجود آورد و با درک درستی که از موقعیت ادبی زمان خود دارد، ضمن استفاده از تجربیات پیشینیان، راهی تازه بر روی آفرینش‌های ادبی باز کند. درجه بزرگی و صاحب‌سبک بودن یک شاعر به میزان ابتکار، تکامل، ترقی و استقلال ادبی وی در استفاده صحیح از موقعیت‌های زمانی و مکانی عصری که در آن زندگی می‌کند، بستگی دارد. باید در نظر داشت که: «اگرچه تکامل و ترقی با تغییر حاصل می‌شود، اما هر تغییری لزوماً به تکامل منجر نمی‌شود، تغییر و حرکتی که سنت‌های زنده و مناسب گذشته را با عناصر تازه درآمیزد می‌تواند به گونه‌ای تکامل بیانجامد. این ترکیب سنت و نوآوری را در همه دوره‌های تاریخی می‌توان جستجو کرد.» (امین‌پور، ۱۳۸۳: ۸۳) چنانکه گفته‌اند: «کیفیت پیوندهای میان سنت و نوآوری مدام در تغییر است، اما هر دو در تکامل هنر، عواملی ثابتند. در هنر، پیوند با سنت تنها به تجربه‌های پیشین و به تجربه هر یک از گونه‌های هنری پیشین، منحصر نمی‌شود. میان هنرمندان عصرهای متفاوت، میان نهضت‌های به کلی نامتشابه و شکل‌های هنری متفاوت می‌توان پیوندهایی یافت.» (خراپچنکو، ۱۳۶۴: ۲۹۷)

«هر شعر ماندنی در تاریخ ادبیات حاصل شکل‌گیری مجموعه‌ای از تجربه‌هاست. شاهنامه فردوسی، استمرار کارهای امثال دقیقی‌ست. رباعیات خیام حاصل سرودن آزمون در حوزه رباعی و شکل‌گیری مضامین خیالی در ادبیات دوره اسلامی است. دیوان حافظ، تبلور تمام آثار برجسته شعری زبان فارسی است. این نکته را در مورد صائب، بیدل، بهار، شهریار، اخوان و فروغ هم می‌توان توضیح داد. با این تفاوت که هرچه فاصله زمانی دورتر باشد، ظهور این امر، یعنی تکامل و تبلور تجربه‌ها را بهتر می‌توان حس کرد.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۶۹: ۳۸۴) پس «ترقی و تکامل در هنر اگر باشد به معنای نفی مطلق گذشته و انقطاع کامل از آثار پیشین نیست.» (امین‌پور، ۱۳۸۳: ۳۱) و درعین حال بدین معنی هم نیست که آثار هنری به یکدیگر تبدیل می‌شوند. اندیشه‌های تلفیقی در شعر، با هر صبغه و زمینه‌ای، از پیچیده‌ترین فرآورده‌های تخیل شاعرانه است و البته به سبب

گسترده‌گی مفاهیم و بارمعنایی که اندیشه دارد، تأویل آن‌ها مخاطب را در مسیر نگاه و کیفیت عواطف شاعر هدایت می‌کند. اخوان با ترکیب اندیشه‌های خود دست به نوآوری زده است. اندیشه و شعر او با اسطوره‌های دینی و ملی، همچنین اسطوره‌های اقوام مختلف آکنده است. اندیشه‌های تلفیقی، خاصاً ادب معاصر و پدیده نوظهوری نیست، بلکه نمونه‌هایی از آن در آثار شاعران کلاسیک چون: فردوسی، سعدی، مولانا و حافظ و... نیز جلوه‌ای خاص دارد. حافظ با وقوف کامل بر منابع عظیم اسطوره‌ای، تاریخی، ادبی... و با هنرمندی بی‌نظیر خود، اسطوره‌های ایرانی و اسلامی را به صورت تلفیقی و در نهایت ایجاز در غزلیات، ساقی‌نامه و سایر اشعار خود آورده است. «حافظ به یاری زیورهای هنری، اغراق، ایهام، تشبیه، تشخیص، تلمیح و کنایه حماسی و... بسیاری از واژگان غنایی را با واژگان حماسی درهم می‌آمیزد و نوعی غزل-حماسه به وجود می‌آورد.» (همایون سپهر، ۱۳۸۶: ۴۳) حافظ با اطلاع از خویشکاری‌های جمشید و ابداعات جم که به یقین از شاهنامه و منابع دیگر اخذ کرده، بعد دیگری را با مشرب عرفانی تلفیق و به آن افزود و از او چهره‌ای جاودانه در دیوان خود آفرید. (همان: ۴۶)

کمند صید بهرامی، بیفکن، جام جم بردار که من پیمودم این صحرا، نه بهرام است ونه گورش
(حافظ، ۱۳۵۹: ۲۷۳)

شعر اخوان به‌عنوان شاعری معاصر و صاحب سبک تلفیق و ترکیبی از سنت‌های ادبی پیشینیان با زبان و اندیشه‌های نوآورانه‌ای است که برای اولین بار در شعر فارسی عرضه می‌شوند. (حبیبی، ۱۳۹۰: ۱۰) از ویژگی‌های اصلی شعر اخوان، دلبستگی بسیار به اسطوره و حماسه و به طور کلی، تاریخ و فرهنگ و اندیشه ایران باستان است. «توجه به عناصر زبان و فرهنگ گذشتگان در شعر علاوه بر برجسته سازی، موجب اصالت و استواری شعر می‌شود.» (صهبا، ۱۳۸۴: ۵۹)

۱- سطح زبانی

«اخوان با تلفیق میان زبان گذشته و امروز، ضمن آنکه چهره و هویتی باستان‌گرایانه به ساختار شعر خود بخشیده است، مانند معماری عمل کرده که با مصالح قدیمی؛ یعنی امکانات زبانی گذشته، بنایی تازه با سبک امروزی برپا ساخته است؛ بنایی که پایه‌اش در گذشته است و خودش در زمان حال.» (میزبان، ۱۳۸۲: ۵۵)

۱-۱. تلفیق کلمات کهن و کلمات رایج

«برای تشخیص بخشیدن به کلام و تأثیر بخشی با ایجاد تداعی زمان گذشته و بوجود آوردن فضای سنتی، کلمات غیرمتداول در زبان را در کنار کلمات رایج در شعر خود به کار می‌برند.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۳۱) اخوان با این روش دست به نوآوری زده و ترکیبات بدیع و نو می‌آفریند:

منم من میهمان هر شبت لولی‌وش مغموم منم من سنگ تپاخورده رنجور
(اخوان ثالث، ۱۳۶۱: ۱۰۷)

و یا: «سپهر تیره‌ضمیر و ستاره روشن / جزیره‌های بلورین به قیرگون دریا / به یک نظاره شدند / هزار هم‌صدای تنگ آجین / هزار ژاغر^۱ پر گند و لاشه و مردار / بر آبگون به خاکستری گراینده.» (همان، ۱۳۸۴: ۵۴)

۱-۱-۱. تلفیق اصطلاحات نجومی و غزل

استفاده از اصطلاحات نجومی و غزل در شعر اخوان علاوه بر اینکه نشانه ذهن پویا و تسلط او بر واژگان نجومی است از نظر ظاهری نیز به خلق تشبیهات زیبا، ابهام و تناسبات لفظی و معنوی و رشد و تعالی شعرش گردیده است:

ز شفق که بحر عشقست، و ز مه که خرمن مهر دو سه جرعه می‌گرفتم، دو سه خوشه می‌ربودم
به شتاب می‌گذشتم ز کنار بزم پروین به بساط عیش زهره دو سه لحظه می‌غنودم
(همان، ۱۳۷۵: ۶۰)

نیز: «همرم، آرزو، به کلبه شعر / آردها بیخت، پروزن آویخت / بافته از دل و تنیده ز جان / خاطر منقش حله‌ها انگیخت / از شبستان شعر پارینه / من همان طفل ارغنون سازم / در دلم خفته نغمه‌های حزین / از تمنای رنگ و بوی دگر.» (همان، ۱۳۸۴: ۳۹)

^۱ - ژاغر: چینه دان.

^۲ - تلمیح است به قصیده فرخی سیستانی در مدح فخرالدوله ابوالمظفر احمد بن محمد بن والی چغانیان و توصیف شعر: با کاروان حله برفتم ز سیستان / با حله ای تنیده ز دل بافته ز جان «فرخی سیستانی، به کوشش خطیب‌رهبر، ۱۳۶۹: ۵۳)

۲-۱-۱. تلفیق اصطلاحات موسیقی و غزل

«دوش در بزم طرب بیتی دو خوش می‌خواند و داشت / زیر اوجی بی‌نظیر و بم حسیضی بی‌عدیل شهروای^۱ شهر قدس و گوشوار عرش گشت / شعرک من با غنای آن دلارام جمیل.» (همان، ۱۳۷۵: ۱۸۷)

۳-۱-۱. تلفیق اصطلاحات دارویی کهن با شعر

«نام‌آوری به صیتِ سخن مشهور / بگزیده بی‌نشانیِ عنقا را / آن عنبرین بساط جَعَرگ^۲ و زُشک^۳ / و آن عنبران پاک و مصفاً را / کنگ و نُغُنْدَرُ و طُرُق و شانْدیز / اخلومد و ابرده علیا را / زی مشهد آ، ز صدق و زیارت کن / یک حریم زادهٔ موسی را / در جعبه‌ها چو کندوی زنبوران / دارد گیاه داروی دربا را / اسفرزه، چاریخ، سیه دانه / افرنجمشک و عاقر و قرحا را.» (همان، ۱۳۶۸: ۱۱۲)

۲-۱. تلفیق اصطلاحات و ترکیبات عامیانه و ادبی:

اخوان از کلمات و عبارات به اصطلاح ساده و سبک عامیانه نیز سود برده و این کلمات را در کنار واژه‌های پرابهت فارسی نهاده است، حالتی دوگانه به زبان خود داده، بی‌آنکه به زمینه‌های قبلی و بارمعنایی و عاطفی و قراردادی این واژه‌ها اعتنایی کند به آن‌ها کاربردی شاعرانه بخشیده است:

«می‌کشید آهی و با حسرت / پیش از این‌ها مخلصت دارای... تا می‌گفت: / "واتنی باری" نگفته، دیگران دنبال می‌کردند: / یک ابوطیّاره قزمیت صد رحمت به گاری بود.» (همان، ۱۳۷۶: ۱۷۰)

^۱ - درم و دینار ناسره که خصوصاً در یک شهر رایج باشد.

^۲ - دهی است از دهستان مرکزی بخش طرّبه شهرستان مشهد.

^۳ - دهی از دهستان شانْدیز است که در بخش طرّبه شهرستان مشهد و ۲۴ هزار گزی شمال باختری طرّبه واقع است.

۳-۱. تلفیق گونه‌های مختلف فعل

اخوان با ترکیب ماهرانه فعل‌های متروک گذشته - یا فعل‌هایی که به نسبت گذشته کاربرد کمتری دارد - و فعل‌های رایج در زبان امروز، باعث نوعی باستان‌گرایی^۱ در شعر خود شده است، و می‌توان آن را نوعی تشخیص و برجستگی در شعر او به‌شمار آورد.

۳-۱-۱. تلفیق افعال ساده و افعال نیشابوری^۲

من امشب آمدستم وام بگزارم حسابت را کنار جام بگزارم
(همان، ۱۳۸۴: ۱۰۹)

«شنیدستم چه می‌گوئید / و می‌دانم چه باید گفت.» (همان، ۱۳۷۶: ۹۸)

۳-۱-۲. تلفیق فعل‌های ساده قدیمی و امروزی

اخوان گاهی از فعل‌هایی استفاده می‌کند که بن فعل و ساخت آن مربوط به دوره‌های گذشته است و امروزه در زبان معیار استفاده نمی‌شود:

مهر بگری برگرفتن از گل گنجینه‌های راز هر قدم از خویش نقش تازه‌ای هشتن
(همان، ۱۳۸۴: ۱۰۷)

۳-۱-۳. تلفیق فعل‌های مرکب قدیمی و امروزی

در آثار نیمایی اخوان دسته‌ای از فعل‌های مرکب به‌کار برده شده‌اند، که امروز در زبان معیار رایج نیستند. برای مثال، فعل «خیال‌پختن» که در دوره‌های گذشته استفاده می‌شده است: «چه داند تنگدل مرغک؟ / عقابی پیر شاید بود و در خاطر خیال دیگری می‌پخت.» (همان، ۱۳۸۴: ۱۳۶)

چنانکه خواجه حافظ از این فعل استفاده کرده است:

خیال حوصله بحر می‌پزد هیهات چه‌هاست در سر این قطره محال‌اندیش
(حافظ، ۱۳۵۹: ۲۰۵)

^۱ برای آگاهی از باستان‌گرایی رک: شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۳)، موسیقی شعر، تهران: آگه، چاپ چهارم، ص ۲۴.

^۲ برای آگاهی از افعال نیشابوری رک: بهار، محمدتقی، (۱۳۷۳)، سبک‌شناسی، تهران: امیرکبیر، چاپ ششم، ص ۲۴۸.

۴-۱. تلفیق کلمات عربی و فارسی:

دلی از سنگ مگر باشد، و در من نبود
حجّت بالغ حق هستی و بر این دعوی
 که فریبت ندهد غنج^۱ و دلالی^۲ که تو راست
 دو دلیل اند موجه خط و خالی که تو راست
 (اخوان ثالث، ۱۳۷۵: ۲۵)

۵-۱. تلفیق کلمات فارسی و فرانسوی

گاه به کف آن بلیت‌های مزور
 گرم گداهنشهی خریدن و جز آن
 هر یک به گونه‌گونه گرمی
 بر صحنه فضا یح پیدا
 (همان: ۱۲۲)
 (همان: ۱۴۰)

۶-۱. تلفیق کلمات فارسی و ترکی و عربی:

ترکی و دری گفتی، عمر دگرم دادی
 ای شوخ کمر باریک، قد یعجبنی باریک
 عیسی نفسی حقا، شیرین دهنی مانا
 تو ترکی و من تاجیک، جانیم سنه قربانا!
 (همان: ۲۳)

۷-۱. تلفیق کلمات فارسی و آلمانی

با تربیت توکل هرگز مکن فراموش
 من دارم این عقیده، داس ایست این ایده^۳
 (همان، ۱۳۶۸: ۲۹۰)

۲- سطح ادبی

یکی از راه‌های آشنایی با اندیشه شاعران و دستیابی به زوایای سایه‌روشن ذهن آنان، تحقیق و کندوکاو در تصاویر شعری آنان است: «تخیل سرشار اخوان از اشاره‌ها و سنت‌های حماسی و اساطیری کهن و علاقه ویژه‌اش به زبان و فکر فردوسی، سبک شاعری وی را متمایز می‌سازد.» (یا حقی، ۱۳۸۵: ۹۷)

^۱ - عشوه، ناز، کرشمه، خوشی.

^۲ - عشوه، غمزه، ناز، کرشمه.

^۳ - به آلمانی یعنی: این یک ایده و نظر است.

۱-۲. تلفیق در ساختار تشبیهی:

اخوان در شعر آخر شاهنامه، ظلم و ستم، خفقان، و نابرابری را مربوط به غلبه سیاهی سایه می‌داند و از آن با عنوان دقیانوس فرمانروای ظالم در دوران اصحاب کهف یاد می‌کند:

«گاه‌گه بیدار می‌خواهیم شد زین خواب جادویی / همچو خواب همگان غار / چشم می‌مالیم و می‌گوییم: آنک، طرفه قصرِ زرنگارِ صبحِ شیرین‌کار / لیک بی‌مرگ است دقیانوس.» (اخوان ثالث، ۱۳۸۴: ۷۹)

۲-۲. تلفیق تناسبات لفظی و جناس‌ها

«من دردم بی‌ساحل / تو بخت بی‌حاصل / ساحر شو، جادو کن / درمان کن، دارو کن / بیمارم، بیمارم، بیمارم، مادر جان.» (همان، ۱۳۸۴: ۱۲۴)

۳-۲. تلفیق تناسبات لفظی و جناس با عیوب فصاحت

«شباهنگی به گوشم گفت آرام/بهاران کو؟ بگو درد و بگو داغ/ خروشی پچ پچ ما را درو کرد/ شنیدم من، تنق تق تق، زَرغ زاغ.» (همان، ۱۳۶۸: ۲۵۴)

۴-۲. تلفیق واژه‌های حماسی و ادبی و ضرب‌المثل

«چشمه‌های شعله‌ور خشکیده‌اند/ آب‌ها از آسیا افتاده است/ آه در سینه‌ها گم کرده را/ مرغکان سرشان به زیر بال‌ها/ مشت‌های آسمان کوب قوی/ وا شده‌ست و گونه‌گون رسوا شده است.» (همان: ۱۳۸۴: ۲۲)

«دانی تو خود، خدایا نپسندم/ رسوا شتر سواری دولاً را/ هستم سیاه مست و سیه طومار/ اما دو تا نگفتم یکتا را» (همان: ۱۱۷)

۵-۲. تلفیق شیوه هندی با شیوه نو

«و، به دل، ز انبوه پیغام‌آوران هم غیبتی کردم/ خفتگان نقش قالی هم‌نوا با من / می‌شنیدم کز خدا هم غیبتی کردند.» (همان، ۱۳۸۴: ۹۸)

تعبیر زیبای «خفتگان نقش قالی» و توجه به نقش قالی از کارگاه ذوق و ذهن استادان شیوه هندی است:

تکلیف نیست در گفتار رند لابلالی را چنانست دوست می‌دارم که عاشق شعرحالی را
 نزاکت آنقدر دارد که در وقت خرامیدن توان از پشتِ قالی دید، نقش رویِ قالی را
 (صائب تبریزی، ۱۳۴۵: ۴۲)

۶-۲. تلفیق شعر کهنه و نو

«صاحب‌دلی ز مدرسه آمد به خانقاه/ با خاطری ملول ز ارکان مدرسه/ بگریخت از فریب و ریا، از دروغ و جهل/ نابود باد-گوید-بنیان مدرسه...» (اخوان ثالث، ۱۳۸۴: ۱۴۰) خانقاه اشاره به شعر سعدی است.

«گفتند: مثل حیا ندارد/ روراست بود ریا ندارد/ نامش مثل است و هیچ پروا/ از کی و کی و کجا ندارد از گیر و کدو گرفته، تا نس/ یا مایه و "اون" ابا ندارد/ تشبیه و کنایه و مجازش/ ای وای حقیقتا ندارد.» (همان، ۱۳۶۸: ۱۴۰) داستان «گیر و کدو» در مثنوی شریف مولوی - ضرب‌المثل «مگر مایه‌ات را می‌کشند؟»

نه از من، زین دو پیر پخته بشنو ز غرب و شرق خون‌گرم‌ان، نه سردان
خراب آب‌آباد، سنبل برنیارد در او تخم و عمل ضایع مگردان
 (همان: ۲۷۰)

تلفیق دو شخصیت غربی و شرقی (سعدی و الیوت شاعر انگلیسی). اشاره به بیت مشهور سعدی: زمین شوره سنبل برنیارد/ در او تخم عمل ضایع مگردان.

۳- سطح فکری

در این بخش تلاش شده است حتی‌الامکان زوایایی از اندیشه‌های نهفته اخوان شناسایی شود و گرایش‌های فکری، تعلقات و دغدغه‌های وی که به صورت ترکیبی و تلفیقی نمود یافته‌اند، مورد بحث و تحلیل قرار گیرد.

۱-۳. تلفیق حماسه و غزل

حماسه در شعر اخوان یک جریان جاری و همیشگی است که با سازمان شعر او پیوستگی دارد. پیش از اخوان و در گذشته شعر فارسی، حماسه‌ها رنگ و هیأت خاصی داشتند و درک همگان از حماسه مبتنی بر جلوه‌های متعالی بود که در شاهنامه فردوسی خلق شده بود. بی‌شک اخوان متأثر از شاهنامه بوده و در این باره هیچ‌گونه تردیدی نیست. شعر "زمستان" با لحنی حماسی شروع می‌شود و با لحنی تغزلی خاتمه می‌یابد:

«گویی خیال بود، شیخ بود، سایه بود / یا آن ستاره بود که یک لمحہ^۱ زاد و مرد / لشکر نداشت در پی، تنها طلایه بود / ای آخرین دریچه زندان عمر من / ای واپسین خیال شیخ وار سایه رنگ / از پشت پرده‌های بلورین اشک خویش / با یاد دلفریب تو بدرود می‌کنم.» (همان، ۱۳۸۴: ۱۲۷)

۲-۳. تلفیق باورهای عامیانه و اعتقادات اسلامی با شعر

پریان، دوش پر بسته گشودند مرا / بوسه و باده ز غم خانه، ربودند مرا
(همان، ۱۳۷۵: ۱۷)

اعتقادات کهن خرافی از جمله بن‌مایه‌های شعر اخوان است که راه را بر تعدادی از واژه‌های کهن و مهجور گشوده است: «در ادبیات دینی فارسی میانه و در نوشته‌های پهلوی پری از موجودات اهریمنی است که از نیروی جادو برخوردار است. از مجموعه اشاره‌های مربوط به پری در شاهنامه و کتب دیگر چنین برمی‌آید که در ایران دوره اسلامی پری موجودی زشت و ناخجسته نیست بلکه بصورت نگار فریبای زیبا پنداشته شده که از نیکویی و حتی فرّ برخوردار است.» (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۵)

«آیا دگر فسانه به پایان رسیده است؟ / چشم پرید ناگه و گوشم کشید سوت.» (اخوان ثالث، ۱۳۸۴: ۱۲۵)

^۱ - ثانیه، لحظه، دم.

۳-۳. تلفیق اندیشه‌های عارفانه و ادیبانه

«من سپردم زورق خود را به آن توفان و گفتم هرچه بادا باد/ تا شودم چشم، دیدم تشنه لب بر ساحل خشک کشف‌رودم/ اندرون، ناچار، مالامال نور معرفت شد باز/ هم بدان سان کز ازل بودم.» (همان، ۱۳۸۴: ۳۵) اشاره به بیت سعدی: اندرون از طعام خالی دار/ تا در او نور معرفت بینی.

«و همه هر منکر منفور را گفتن که "رخصت از مشیت داشت" / نه همین تنها مسائل دان، رسائل خوان از طهارت تا دیانت مرجع اعلم/ چون تبتل^۱ تا فنای مرشد اعظم/ رویه تنها نه، بل عمق و رویت داشت» (همان، ۱۳۷۶: ۱۶۶) (از طهارت تا دیانت، یک دوره کامل از ابتدا تا انتهای فقه اسلامی - از تبتل تا فنا، یک دوره کامل از آموزش‌های صوفیانه و صوری حوزه‌های تصوف اسلامی)

۳-۴. تلفیق اندیشه‌های فلسفی و ادیبانه

«گر ننگین تاج خورشیدیم/ و نگون ژرفنای خاک/ آه، می‌فهمی چه می‌گویم؟/ ما به "هست" آلوده‌ایم، آری خاکی-افلاکی سرشتی، چون سبو هم هم مشرب خیام/ نوجوان اما چو این زروان^۲ پرست پیر، طفل مکتب خیام/ خوش‌نگاهی، خوشگلی، خوش‌نوش/ همچو تندیس الهه عشق و زیبایی.» (همان: ۱۳۶)

جهانش همچو من پوچ و مثالی‌ست	ز افلاطون خوشم آید، که دانم
که اندر وی اصالت لا‌اصالی‌ست؟	چرا گردم به دنبال جهانی
نه چون شیرِ علم، بل نقش‌قالی‌ست	درخت و میوه و گل حور و نورش

(همان، ۱۳۶۸: ۴۶)

^۱ - دنیاگریزی، بریدن از جهان و مردم.

^۲ - زروان به معنی "زمان" و نام یکی از ایزدان آیین مزدیسناست. در برخی از نوشته‌های پهلوی به صورت موجودی برتر از اورمزد سخن رفته و دانشمندان پیدایی این عقیده را به دوره‌های بسیار دور و پیش از زردشت می‌رسانند؛ آنچنان که می‌نویسند: «در آیین مزدایی زردشتی، زروان اهمیت زیادی نداشته و جنبشی که موجب پدیدآمدن آیین زروانی شده مربوط به دوران اشکانی و ساسانی است.» (عفیفی، ۱۳۸۳: ۵۳۹)

۳-۵. تلفیق ادیبان و شاعران کهن و معاصر

«پیامی دیگر از تاریک خون دلمرده سودازده، کافکا؟^۱ / درفش قهر / نمای انتقام ذلت عرق یهودی از نظام دهر همه خشم و همه نفرین، همه دشنام؟ / درود دیگری بر هوش جاوید قرون و حیرت عصیانی اعصار / ابر رند همه آفاق، مست راستین خیام؟» (همان، ۱۳۶۱: ۵۱)

۳-۶. تلفیق اندیشه پیش از اسلام و پس از اسلام

«از ویژگی‌های بارز شعر اخوان ابراز علاقه بسیار به اساطیر و حماسه و بر روی هم فرهنگ و اندیشه ایران پیش از اسلام است، به گونه‌ای که تأثیر ذهن و زبان شاهنامه در بیشتر اشعار او آشکار است.» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۹۵) نشانه‌های این دلبستگی را در نام‌های برخی از دفترهای شعر و چکامه‌های وی آشکارا می‌بینیم:

ولی گر خواستی روزی لب از آلودگی شویی غزالا! همچنان من چشمه دوشیزه‌ای هستم
(اخوان ثالث، ۱۳۷۵: ۵۵)

«بنابر اسطوره، نطفه زردشت در دریاچه "کیانسه" نگهداری می‌شود و نزدیک فرارسیدن هر هزاره این نطفه، دختر دوشیزه‌ای را که در آن دریاچه آبتنی می‌کند، بارور می‌کند و نطفه منجی در رحم او بسته می‌شود.» (هیلنز، ۱۳۸۹: ۱۰۴)

۳-۷. تلفیق شخصیت‌های پیش از اسلام و پس از اسلام

«من اینجا از نوازش نیز چون آزار ترسانم / ز سیلی زن، ز سیلی خور / و زین تصویر بر دیوار ترسانم / درین تصویر، / عمر با سوط^۲ بی‌رحم خشایرشاه / زند دیوانه‌وار، اما نه بر دریا.» (اخوان ثالث، ۱۳۸۴: ۱۵۹)

«باز می‌گویند: فردای دیگر / صبر کن تا دیگری پیدا شود / نادری پیدا نخواهد شد "امید" / کاشکی اسکندری پیدا شود.»^۱ (همان، ۱۳۸۴: ۲۶)

^۱ - فرانتس کافکا، نویسنده یهودی ساکن چکسلواکی که به آلمانی می‌نگاشت.

^۲ - تازیانه.

چون نمود و عاد، با جرم سدومی مان مکش
 آسمان را هم گرفتند، این زبردستان دهر
 اسب می‌تازد، چنانچون رستم و سهراب پاک
 ورکشی، گو رحم دستی بر سر قانون کشد
 شهسوار نام من، گو تیغ خود اکنون کشد
 آن که می‌باید چو خر پالان تو گوبالون کشد
 (همان، ۱۳۶۸: ۵۱)

افزون براین، اخوان در سروده‌های خود به شیوه‌های گوناگونی از جاودانی میراث نیاکانش بهره جسته است:

۱-۷-۳. تلفیق شعر و داستان: «روایت‌گری و داستان‌سرایی از ویژگی‌هایی است که در اغلب آثار اخوان دیده می‌شود، به گونه‌ای که اکثر نقادان بر این باورند که روح روایت‌گری بر پیشینه سروده‌های اخوان چیرگی دارد.» (مرادی و عبدالروایانی، ۱۳۹۰: ۳۲)

«راویم من، راویم آری / بازگویم، هم‌چنان که گفته‌ام باری: / راوی افسانه‌های رفته از یادم / جغد این ویرانه نفرین‌شده تاریخ / بوم این خراب‌آباد / قمری کُوکوسرای رفته بر بادم.» (اخوان ثالث، ۱۳۷۶: ۲۶)

روایت‌های شعری اخوان با حماسه و اسطوره و با عواطف خاصی که در وی شکل گرفته، تلفیق شده است. آن‌ها روایت‌های صرفاً تاریخی یا حماسی نیستند و تنها نمی‌توان آن‌ها را در رده اشعار حماسی و تاریخی قرار داد بلکه با این مایه‌ها آمیختگی دارند و در صدد بیان واقعیت‌های امروزی و عواطف و حالاتی هستند که سرنوشت شاعر و انسان‌های امروز با آن گره خورده است. اخوان با بهره‌گیری از فضا و لحنی روایی و داستانی، به‌سان راوی و نقالی چیره‌دست، به بیان اندیشه‌های خود که از میراث باستانی و اسطوره‌های کهن ایرانی سرچشمه می‌گیرد، روی می‌آورد، چنان‌که در چکامه "خوان هشتم"، او را در چهره "ماث" نقال می‌بینیم که مانند "ماخ" که راوی شاهنامه است، روایت‌گر اندیشه‌های خویش است.

^۱ - در این نام‌گذاری تقابل دو شخصیت دیده می‌شود. نخست آنکه اسکندر که در دیدگاه ایرانیان باستان با لقب گجستگ یا ملعون خوانده شده و دیگری، یک منجی (با توجه به سال‌های اول حکومت نادر که آشفته‌گی‌های بعد از دوران صفویه است و حمله افغان‌ها را آرام کرد و ایران را نیز انسجام بخشید).

«یادم آمدم، هان/ داشتم می گفتم: آن شب نیز/ سورت^۱ سرمای دی بیدادها می کرد/ وه چه سرمایی.../ هفت خوان را زاد سرو مرو/ آنکه از پیشین نیاکان تا پسین فرزند رستم را به خاطر داشت/ یا به قولی ماخ سالار، آن گرامی مرد/ روایت کرد خوان هشتم را.../ ماث/ راوی توسی روایت می کند اینک.» (همان: ۶۶)

«فردوسی علاوه بر استفاده از منابع مکتوبی چون شاهنامه ابومنصوری، از داستان‌های شفاهی و منفرد راویان و ناقلان نیز بهره برده است. راویانی از جمله: شادان برزین، آزادسرو، ماخ^۳، شاهوی پیر، بلبل.» (صفا، ۱۳۹۰: ۹۹-۹۸) و (رزمجو، ۱۳۸۱: ۱۴۰)

۲-۷-۳. تلفیق اسطوره و واقعیت

«خصوصیت دیگر شعر اخوان، گرایش به اساطیر و ویژگی‌های زندگی ایرانی ست.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۸۰) «او با بهره‌گیری از اسطوره‌ها و اشاره‌های داستانی و پدیدآوردن ایجاز و ابهام هنری در شعر خویش، به زبان و بیان خود تشخیص و ویژگی بخشیده و آن را تازه و بدیع ساخته و بر قدرت تأثیر و القای آن افزوده است.» (عالیوند، ۱۳۹۶: ۷۰)

با آن همه شعرهای شیوای کهن
از شاعر نو چکامه خواهی چه کنی؟
در حیرتم ای رستم دستان غزل
کاین "آخر شاهنامه" خواهی چه کنی؟
(اخوان ثالث، ۱۳۷۵: ۲۲۹)

۸-۳. تلفیق امثال دیروزی با واقعیت‌های امروزی

«فتاده تخته سنگ آنسوی تر، انگار کوهی بود/ و ما این سو نشسته، خسته انبوهی/ زن و مرد و جوان و پیر/ همه با یکدیگر پیوسته، لیک از پای/ و با زنجیر... ندایی بود در رویای خوف و خستگی‌هامان... / بر او رازی نوشته است، هر کس طاق هر کس جفت/ چنین می گفت چندین بار... گروهی شک و پرسش ایستاده بود/ و دیگر/ مکید آب دهانش را و گفت آرام/ کسی راز مرا داند/ که از این رو به آن رویم بگرداند.» (همان، ۱۳۶۱: ۹)

^۱ - تندی، حدت، تیزی، شدت، تأثیر.

^۲ - معاصر فردوسی.

^۳ - نولدکه می گوید: شاید همان ماخ یکی از چهار راویان شاهنامه ابومنصوری باشد. تقی‌زاده هم این نظر را تأیید می‌کند(رک: از پانزده دریچه ص ۱۶۰).

«اخوان این ره یافت فلسفی - تاریخی را در قالب شعری تمثیلی در اوج سطوت^۱ و صلابت عرضه داشته است. صولت و سطوت لحن شعر تا به انتها از یک سو، فضای اساطیری واقعه را و از دیگر سو، صلابت و عظمت تخته سنگ را - که پیام‌دار تقدیر آدمی است - نمودار می‌سازد. اخوان با این شعر، مأخذی تاریخی را که ساختار شعر بر آن بنیاد نهاده شده، نمایان کرده است: "اطمع من قالب الصخره"^۲ که از امثال معروف عرب است.» (روزبه، ۱۳۸۴: ۲۰) ساختار کلامی این شعر، ترکیبی از اسلوب زبان کهن و امکانات زبان امروز است.

۹-۳. تلفیق ادبیات غرب و شرق

شیوه‌ای دیگرم آموز به جز مردن و رستن
 طوطی هند! که من مردم و درمانده به دامی
 برجبین داغ دروغم نه و جان لوحه صد داغ
 کاش در عهد نرون^۳ بودم و یک داغه غلامی
 لام تاکام مزن حرف، که دوزیم لبت را
 فرخی وار^۴، بیا "حب ترپ، المی و کامی"
 (اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۱۰۶)

داستان گرگ و بیره، ماجرای زور و ضعف
 در جهان غرب و شرق، از بهترین تمثیل‌هاست
 (همان: ۲۰۴) برداشت از لافوتتن (مجله یادگار سال اول، شماره ۵)

۱۰-۳. تلفیق ادیان و مذاهب گوناگون

اخوان می‌کوشد فکرها و ایده‌های برگرفته از آیین‌های کهن و تاریخ باستانی را درهم بیامیزد و از آن گذشته‌های دور و افسانه‌ای به امروز پیوندی بزند. او براساس این باور، روایت شاعرانه خود را با زرتشت، مزدک، مانی و بودا در می‌آمیزد.

«تو بگو، مزدک! چه میدانی؟ / آن سوی این مرز ناپیدا / چیست؟ / وانکه زان سو چندو چون دانسته باشد / کیست؟» / مزدک: «من جز اینجایی که می‌بینم، نمی‌دانم.» / پرسنده: «یا جز اینجایی که می‌دانی

^۱ - شوکت، حشمت، رعب، حمله، هجوم، عظمت.

^۲ - (ر.ک: جوامع الحکایات عوفی ص ۲۸۷).

^۳ - کلادیوس سزار آگوستوس. امپراطور روم. مردی دیوانه و سرکش که سرانجام به خون مادر دست آورد.

^۴ - محمد فرخی یزدی شاعری که در عمر ۵۰ ساله خود انواع رنج‌ها را به جان خرید. او در سال ۱۲۹۷ قمری به خاطر شعری که در اعتراض به حاکم یزد سرود، زندانی شد و دهان وی دوخته شد.

نمی بینی.» / مزدک: «من نمی دانم چه آن جا یا کجا آن جاست.» / بودا: «از همین دانستن و دیدن / یا ندانستن سخن می رفت / زردشت: «آه مزدک! کاش می دیدی / شهر بند رازها آنجاست / اهرمن آنجا، اهورا نیز» / بودا: «پهن دشت نیروانا نیز» / پرسنده: «پس خدا آنجاست؟» (همان، ۱۳۶۱: ۸۱)

۱۱-۳. تلفیق اشعار نیمایی و کلاسیک

اخوان در دفتر "زمستان" که ادامه شعرهای کلاسیک ارغنون وار است به تدریج زبانش را تغییر می دهد. «نیمه نخست "زمستان" همان شعرهای چهارپاره فارسی است، که بیشتر به شیوه شهریار است، اما شاعر از نیمه دوم این مجموعه، پس از سرودن شعر تمثیلی سترون، دارای اندیشه ای مستقل شده و زبان خراسانی را به شعرنیمایی پیوند می زند. اخوان در شعر "زمستان" سنت را به زبان مدرن نیما گره می زند و سبک جدیدی را ابداع می کند.» (حسن پورآلاشتی، ۱۳۸۷: ۳۴۳)

«زمستان مجموعه ای از تأثیرهای مختلف شعری از شاعرانی چون ایرج، نیما، شهریار، نادرپور و شاملو است، اما اخوان در این دفتر، صاحب یک شیوه خاص شده است. وی برای زبان خود سه منبع را برگزیده است. مکتب خراسانی، شعر ایرج و زبان نیمایی، اخوان با استفاده از نحوه ترکیب سازی زبانی در مکتب خراسانی، طریقه استفاده ایرج وار از زبان عامیانه، به سوی زبان شعر و حتی قالب نیما درآمده، بعد درگیرودار همین تأثیرهای شیوه های مختلف، از "زمستان" به طرف "آخرشاهنامه" رفته است.» (براهنی، ۱۳۷۱: ۶۳۴)

«آشنایی اخوان با ادبیات گذشته و وزن شعر و تلفیق آن ها با موسیقی ایرانی سبب شده که غالب اشعار وی به صورت نوعی هم نوایی حاصل از نغمه حروف و حسن ترکیب کلمات، مصراع بندی های خوب، وقف ها و سکون های به موقع، تکرار کلمات و عبارات، تکیه بر برخی اجزای کلام و بجان نشان دادن قافیه ها در هر مورد به تناسب مقام درآید و در جهت القای معانی و تصویر صحنه ها به نیکی از آن ها سود بجوید.» (احمدپور، ۱۳۷۴: ۱۷۸) «افزون بر نوخسروانی ها که از

ابداعات اخوان براساس خسروانی‌های^۱ اواخر دوره ساسانی منسوب به باربد جهرمی، سراینده و نوازنده بلندآوازه آن دوره است، و نیز فهلویات^۲، اخوان طبع‌آزمایی‌هایی نیز در زمینه شعر و موسیقی داشته است. دو شعر "قولی در ابوعطا" و "قولی در سه‌گانه" را که وزن غیرعروضی و ایقاعی دارند، احتمالاً به صورت تصنیف و ترانه سروده سپس آهنگی نیز برای آن‌ها ساخته و جای درآمد و گوشه‌های مختلف را تعیین کرده است. (بهبهانی، ۱۳۷۰: ۵۵۶)

۱-۱۱-۳. تلفیق اوزان رمل و هزج

«سیاهی از درون کاهدودِ پشت دریاها/ برآمد، با نگاهی حيله‌گر، با اشکی آویزان/ به دنبالش سیاهی‌های دیگر آمدند از راه/ بگسترده بر صحرای عطشان قیرگون دامن/ گروه تشنگان در پیچ‌پیچ افتادند:/ دیگر این/ همان ابر است کاندِر پی، هزاران روشنی دارد/ ولی پیر دروگر گفت/ با لبخندی افسرده/ فضا را تیره می‌دارد، ولی هرگز نمی‌بارد.» (اخوان ثالث، ۱۳۸۴: ۵۳)

۲-۱۱-۳. تلفیق اوزان رمل و رجز

«ای تکیه‌گاه و پناه/ زیباترین لحظه‌های/ پر عصمت و پر شکوه/ تنهایی و خلوتِ من!/ ای شطّ شیرین پر شوکت من!/ ای با تو من گشته بسیار/ در کوچه‌های بزرگ نجابت.» (همان، ۱۳۸۴: ۷-۶۶)

«نعش این شهید عزیز/ روی دست ما مانده است/ روی دست ما دل ما/ چون نگاه ناباوری به جا مانده است.» (همان، ۱۳۶۱: ۸۵)

^۱ - خسروانی علاوه بر اینکه نام یکی از الحان بود، در معنای دیگری نیز به کار می‌رفته است: قطعه‌های موسیقی براساس پرده‌های سازنده آن‌ها بررسی می‌شدند و آن‌ها که با هم مشابهت داشتند در یک دسته قرار می‌گرفتند و به این ترتیب هفت خسروانی به دست می‌آمد.

^۲ - «فهلویات نامی است که بر دوبیتی‌های سروده شده به گویش‌های کهن نواحی فهله (پهله) اطلاق می‌شود. مفرد آن فهلویه معرب صورت فارسی پهلوی است. بنابر روایت ابن مقفع نواحی فهله شامل پنج ناحیه اصفهان، ری، همدان، آذربایجان و ماه‌نهند است. یعنی سرزمین ماد را در بر می‌گرفته است.» (تفضلی، ۱۳۸۵: ۱۱۹)

نتیجه‌گیری

از ویژگی‌های اصلی شعر اخوان، ابراز علاقه و دل‌بستگی بسیار به اسطوره و حماسه و به طور کلی، تاریخ و فرهنگ و اندیشه ایران باستان است. توجه به عناصر زبان و فرهنگ گذشتگان در شعر علاوه بر برجسته‌سازی^۱، موجب اصالت و استواری شعر می‌شود. اخوان با تلفیق و ترکیب اندیشه‌های خود دست به نوآوری و آفرینش زده است. آثار او تلفیقی از زبان کهن و عامیانه با زبان نو و ادیبانه، تلفیقی از حماسه و غزل، تلفیقی از ایران پیش از اسلام و ایران پس از اسلام، تلفیقی از ادیان و مذاهب مختلف، تلفیقی از شعرنیمایی با شعر کلاسیک بود. این شاعر توانست با نمادگرایی و دیدگاه نوین خود سبکی تازه را در عرصه شعر و ادب این مرز و بوم پدید آورد. وی با کاربرد بجا و شایسته واژه‌ها و ساخت‌های کهن، با توانایی بی‌نظیر خود در حسن‌گزینش و ترکیب و هماهنگی بین زبان و محتوا، زبانی اصیل و فخیم و باصلابت آفریده است. اگر ارتباط میان شعر معاصر و سنت‌های ادبی و دینی نبود، بی‌شک دریافت و ادراک‌های هنری و فرهنگی حال، آن هم در دوره سرگشتگی و بی‌هویتی معاصر، در هاله‌ای از نیستی فنا می‌شد؛ اما می‌توان گفت این نگاه به عقب، دریافت‌های معاصر را راهبری کرده است. مشخص شد اندیشه‌های تلفیقی، خاصاً ادب معاصر و پدیده نوظهوری نیست، بلکه نمونه‌هایی از آن در آثار شاعران کلاسیک چون: فردوسی، سعدی، مولانا و حافظ و... نیز جلوه‌ای خاص دارد.

^۱ منظور از برجسته‌سازی یا **Forgranding**، عظمت بخشیدن و بالا بردن سطح تأثیر کلام در خوانندگان است. یعنی شاعر یا سراینده ترانه با شکستن معیارهای زبان روزمره با کمک وزن، پنداشته‌ها، برگزیدن ترکیب‌ها و واژه‌های فراخور و گاه حتی جابجایی برخی از ارکان جمله، زبان را از هنجار کلام روزمره دور کند. در اشعار اخوان برجسته‌سازی واژگانی نمونه‌های گوناگونی دارد از قبیل استفاده از: واژه‌های مرده، واژه‌های کم کاربرد، واژه‌هایی که در معنی کهن به کار رفته، واژه‌های اساطیری و واژه‌های مخفف.

فهرست منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- ۱- احمدپور، علی، (۱۳۷۴)، رمز و رمزگرایی در اشعار مهدی اخوان ثالث، تهران: ترنج.
- ۲- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۶۱)، از این اوستا، تهران: مروارید، چاپ دهم.
- ۳- _____، (۱۳۸۴)، آخر شاهنامه، تهران: مروارید، چاپ هجدهم.
- ۴- _____، (۱۳۷۵)، ارغنون، تهران: مروارید، چاپ پنجم.
- ۵- _____، (۱۳۶۸)، ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم، تهران: زمستان.
- ۶- _____، (۱۳۸۴)، درخت پیر و جنگل، تهران: زمستان، چاپ ششم.
- ۷- _____، (۱۳۷۶)، سه کتاب: در حیات کوچک پاییز در زندان، زندگی می‌گوید اما باز باید زیست، دوزخ اما سرد، تهران: بهار.
- ۸- امین‌پور، قیصر، (۱۳۸۳)، سنت و نوآوری در شعر معاصر، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۹- براهنی، رضا، (۱۳۷۱)، طلا در مس، ج ۲، تهران: نویسنده.
- ۱۰- _____، (۱۳۸۵)، جستاری در فرهنگ ایران، تهران: اسطوره.
- ۱۱- بهبهانی، سیمین، (۱۳۷۰)، راوی وضع زمانه گاه با ناله گاه با فریاد، تهران: بزرگمهر.
- ۱۲- خراپچنکو، میخائیل، (۱۳۶۴)، فردیت خلاق نویسنده و تکامل ادبیات، ترجمه نازی عظیمی، تهران: آگاه.
- ۱۳- حافظ، شمس‌الدین محمد، (۱۳۵۹)، دیوان، تصحیح پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی.
- ۱۴- رزمجو، حسین، (۱۳۸۱)، قلمرو ادبیات حماسی ایران، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا انقلاب، تهران: سخن، چاپ سوم.
- ۱۶- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۹۰)، حماسه‌سرایی در ایران، تهران: فردوس، چاپ پنجم.
- ۱۷- عقیقی، رحیم، (۱۳۸۳)، اساطیر و فرهنگ‌های ایرانی در نوشته‌های پهلوی، تهران: توس.

- ۱۸- میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۶)، فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن، تهران: کتاب مهناز.
- ۱۹- میزبان، جواد، (۱۳۸۲)، از زلال آب و آینه، مشهد: پایه.
- ۲۰- هیلنز، جان، (۱۳۸۹)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه، چاپ پانزدهم.
- ۲۱- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- ۲۲- _____ (۱۳۸۵)، جویبار لحظه‌ها (جریان‌های ادبیات معاصر فارسی)، تهران: جامی.

ب) مقالات

- ۱- تفضلی، احمد، (۱۳۸۵)، «فهلویات»، ترجمه فریبا شکوهی، نامه فرهنگستان، شماره ۲۹.
- ۲- حبیبی، عبدالرضا، (۱۳۹۰)، سنت و نوآوری در اشعار مهدی اخوان ثالث، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.
- ۳- حسن‌پورآلشتی، حسین، (۱۳۸۷)، «راوی قصه‌های رفته از یاد (بازکاوی اشعار اخوان)»، فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد.
- ۴- روزبه، محمدرضا، (۱۳۸۴)، «تحلیل و تفسیر شعر کتیبه سروده مهدی اخوان ثالث»، مجله شعر، شماره ۴۲، صص ۲۰-۲۳.
- ۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۶۹)، «تکامل یک تصویر»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، شماره ۴، سال ۲۳.
- ۶- صهبا، فروغ، (۱۳۸۴). «کهن‌گرایی واژگانی در شعر اخوان»، دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره ۵، صص ۶۴-۴۱.

- ۷- عالیوند، مه‌ران، (۱۳۹۶)، «بررسی تمثیل‌های حماسی و اسطوره‌ای در سروده‌های نیمایی مهدی اخوان ثالث»، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی (دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر)، شماره ۳۳، صص ۶۹-۸۵.
- ۸- لافونتن، ژان دو، (۱۳۲۳)، *تحقیقات ادبی: گرگ و بره*، مجله یادگار، سال اول، شماره ۵.
- ۹- مرادی، محمدهادی، عبدالروییانی، جواد، (۱۳۹۰)، «میراث‌گرایی در شعر مهدی اخوان ثالث و *أمل دُنُقُل*»، پژوهش‌های نقد و ترجمه زبان و ادبیات عربی، سال ۱، شماره ۱، صص ۲۷-۵۰.
- ۱۰- همایون سپهر، محمد، (۱۳۸۶)، «بررسی اساطیر در دیوان حافظ»، تهران: مجله فرهنگ مردم ایران، شماره دهم، از ص ۳۷ تا ص ۵۱.